

## برچسب‌زنی به ارادل و اوباش ممنوع!

دکتر رؤیا بلوری، فعال اجتماعی و جامعه‌شناس نیز با بیان این که هر پدیده‌ای قبل از پردازش باید مفهوم‌سازی شود، به «ایران» توضیح می‌دهد: مفهوم ارادل و اوباش نه در جامعه و نه در قوانین به‌روشنی مفهوم‌سازی نشده است. حتی اگر این افراد را مجرم بدانیم، در قانون هیچ جرمی تحت عنوان رفتارهای ارادل و اوباش وجود ندارد. فرض کنیم فعل این افراد روشن باشد، ردالت و اوباش‌گری، به هم ریختن جامعه، عریضه‌کشی و تهدید کردن مردم همگی از جمله رفتارهایی است که به این دسته از افراد نسبت داده می‌شود. در مرحله بعد باید علل پیدایش این افراد روشن شود. در واقع سه مرحله مهم اینجا وجود دارد، یکی اینکه این پدیده چگونه به وجود می‌آید و دیگری اینکه چگونه باید پیشگیری کرد و بعد از ایجاد، چگونه باید با آن برخورد شود.

به گفته او، درباره پدیده ارادل و اوباش، ریشه‌های فرهنگی و اقتصادی وجود دارد. جامعه‌شناسان معتقدند بعد فرهنگ در خصوص این افراد بسیار پررنگ است یعنی تا افرادی در جامعه احساس تحقیرشدگی و نادیده گرفته شدن و احساس توهین نبینند به رفتارهای اوباشگری روی نمی‌آورد.

محروریت نسبی نیز یکی از مسائلی است که در خصوص این آسیب از اهمیت بالایی برخوردار است، محرومیت نسبی به این معناست که فردی یا گروهی در جامعه به انتظارات و حقوقی که توقع دارند، نرسیده‌اند و احساس می‌کنند به قولی دیگران حق آنها را خورده‌اند. مسأله مهم دیگری که در زمینه این افراد باید به آن پرداخته شود، مسأله برچسب‌زنی است. در تمامی آسیب‌های اجتماعی به این نتیجه می‌رسیم که وقتی برچسب‌های اجتماعی یا انگ به فرد یا گروهی زده شود، ناخودآگاه این افراد به سمت رفتارهای ناهنجار کشیده می‌شوند.

بلوری با نگاهی دیگر به مقوله برچسب‌زنی اشاره کرده و می‌افزاید: در زمانی ارادل و اوباش را در سطح شهر با رفتاری



«ایران» از سیر تحول و تبدیل شخصیت لات‌های دیروز به ارادل امروز گزارش می‌دهد

## مرگ لوطی‌ها، تولد اوباش

لوپی تا لات فاصله زیادی به اندازه زمین تا آسمان می‌توان متصور شد، همه ما در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی قدیمی و حتی جدید مانند شب دهم، نماهایی از لوطی‌های قدیم را دیده‌ایم، مردانی درشت‌جثه با لحن و ادای کلمات به شکلی متفاوت، پاشنه‌کش‌های خوابانده، کلاه شاپو برسر، تسبیح در دست و شکل و شمایی از این دست برای همه ما تداعی‌کننده لوطی‌هایی هستند که مشخصه بارز آنها جوانمردی و حضور در زورخانه‌ها و دستگیری از بیچارگان بود، اما امروز این واژه نه تنها به لحاظ شکلی تغییر کرده و لغت «لوطی»، «الات» نوشته می‌شود، بلکه گویی حضور این افراد به مرور زمان بسیار کم‌رنگ شده و فقط تصویری از ایشان در ذهن‌ها باقی مانده است، این در حالی است که ارادل و اوباش و لات‌های خیابانی سبب رعب و وحشت مردم شده و زمینه‌های فساد را در جامعه فراهم می‌کنند. به نظر می‌آید باید با

برنامه‌ریزی‌های عمیق، منطقی و کارشناسانه دوباره سعی در بازگرداندن مرام و معرفت لوطی‌ها کرد و سبب شد آثارهای جرم و جنایتی که توسط ارادل و اوباش در محلات مختلف شکل می‌گیرد، کاهش پیدا کند. دکتر جعفر بای، جرم‌شناس و محقق آسیب‌های اجتماعی درباره ساختار اجتماعی و تفاوت زندگی افرادی که در قدیم به لات‌ها و امروزه به ارادل و اوباش معروف هستند، به «ایران» می‌گوید: اگر امروزه گروهی



دکتر فرید فدایی، روانپزشک با اشاره به اینکه در فرهنگ فارسی معین، ارادل و اوباش به صورت افراد فرومایه، بسط و ناکس تعریف شده‌اند، به «ایران» می‌گوید: این گروه مردمی بی‌هنر، بی‌فرهنگ، خشن، بیگار و بی‌عار را تشکیل می‌دهند. این ویژگی‌ها از دیدگاه روانپزشکی در مفهوم اختلال شخصیت ضداجتماعی متبلور می‌شود. عنوان شخصیت ضداجتماعی به افرادی اطلاق می‌شود که ظرفیت دلبستگی یا وفاداری به دیگران و رعایت قوانین زندگی اجتماعی را ندارند. افرادی بی‌عاطفه و به فکر لذت‌های آنی هستند، احساس مسئولیت ندارند و با اینکه به طور مکرر مورد تنبیه قرار می‌گیرند، نمی‌توانند رفتار خود را تغییر دهند.

به گفته فدایی، شخصیت‌های ضداجتماعی فاقد قضاوت اجتماعی هستند، اما با دلیل تراشی خود را متقاعد می‌کنند که رفتارهای ضداجتماعی و مجرمانه آنان مجاز است. برای نمونه، یک سارق خودرو می‌گوید که چرا باید فلان شخص ماشین داشته باشد اما من نداشته باشم؟ پس حق دارم ماشین دیگری را بدزدم. ساختار شخصیتی این افراد ناراسا است یعنی بخش وجدانی و اخلاقی شخصیت آنان شکل نگرفته و نارسایی دارد.

در مورد علل ایجاد شخصیت ضداجتماعی عوامل مختلفی نقش دارند از جمله ژنتیک و عوامل زیست محیطی. برای نمونه ضایعه وارده به مغز حین زایمان، ضربه به سر و التهاب مخ، عوامل رفتاری از جمله نقص در شرطی شدن و خاموشی آن، عوامل روانی رشدی از جمله اختلال در تعامل با والدین و عوامل اجتماعی را از این دست می‌توان نام برد. در عین حال هم عموماً ترکیبی از عوامل مذکور وجود دارد. شناخت این وضعیت و تغییر رفتار در فردی که جزء ارادل و اوباش طبقه‌بندی می‌شود، مستلزم آگاهی از این عوامل متعدد و دردم پیچیده است.

او در ادامه می‌افزاید: شخصیت‌های ضداجتماعی در اصطلاح روانپزشکی با ارادل و اوباش در فرهنگ عامه که گاهی به غلط لات و لوت خوانده می‌شوند، طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند که یک انتهای آن شامل افرادی است که با رفتارهای گفتر ناخوشایند و بی‌ادبانه و ظاهر نامناسب برای نمونه مردی که دکمه‌های پیراهن خود را باز می‌گذارد و به خانم‌ها متلک می‌گوید، ارزش اجتماعی هستند، هیچ اعتمادی نسبت به آنان وجود ندارد و جامعه اقبالی به آن افراد نمی‌کند و منفور اجتماع هستند، این افراد با لوطی‌ها متفاوت هستند، چون لوطی‌ها از احترام ویژه‌ای در میان مردم برخوردار بودند، به بزرگان و ریش‌سفیدان احترام می‌گذاشتند و واژگان و اصطلاحات خاصی که مظهر تواضع و فروتنی است، در گفتار خویش داشتند.

او در ادامه در مورد تفاوت‌های اجتماعی لوطی‌ها و ارادل و اوباش توضیح می‌دهد: لوطی‌ها برای ترویج فرهنگ خویش با مکر و دسیسه‌های پیچیده و با استفاده از آرایش اجتماعی از طریق دستکاری دیگران و با مردم ضعیف زدوخورد می‌کنند و هیچ‌گونه مرام و اخلاقی ندارند و به سرقت و چپاول اموال دیگران می‌پردازند. دکتر فرید فدایی: عنوان شخصیت ضداجتماعی به افرادی اطلاق می‌شود که ظرفیت دلبستگی یا وفاداری به دیگران و رعایت قوانین زندگی اجتماعی را ندارند. افرادی بی‌عاطفه و به فکر لذت‌های آنی هستند، احساس مسئولیت ندارند و با اینکه به طور مکرر مورد تنبیه قرار می‌گیرند، نمی‌توانند رفتار خود را تغییر دهند.



فرهنگ‌ها کارهای خلاف موجب بروز شخصیت و خودنمایی آنها می‌شود و در حاشیه اجتماع و در محلات پررنگ‌تر شده و بستر ارتکاب خلاف و آسیب‌ها نیز در آن مناطق بیشتر شود. او در ادامه خاطر نشان می‌کند: اگر بخواهیم چنین رفتارهایی در جامعه وجود نداشته باشد، باید پیشگیری کنیم، پذیرش، آموزش و جلوگیری از انگ زدن قطعاً روش‌هایی هستند که به‌سادگی می‌توانند از آسیب‌های این‌چنینی جلوگیری کنند اما در صورت بروز چنین آسیب‌هایی، آفتابه به گردن بستن و در خیابان چرخاندن و اعمال شدیدترین برخوردها با ایشان نمی‌تواند راه چاره باشد، باید زمینه‌هایی به وجود آمدن این پدیده‌ها را از بین ببریم و کار فرهنگی انجام دهیم تا شاهد کاهش چنین آسیب‌هایی باشیم.

نوجهایی داشتند که به‌عنوان شاگردان آنها بودند و سعی می‌کردند آداب لوطی‌گری را بیاموزند و اجرا کنند تا لات‌های آینده البته با نگاه مثبت اجتماعی شوند. هیچ‌گاه لوطی‌ها به‌دنبال زورگیری یا زدن دیگران نبودند، در حالی که ارادل امروز زورگیری و با مردم ضعیف زدوخورد می‌کنند و هیچ‌گونه مرام و اخلاقی ندارند و به سرقت و چپاول اموال دیگران می‌پردازند.

■ **نگاهی روانشناسانه به تولد یک مبتلا به شخصیت ضداجتماعی**

دکتر فرید فدایی، روانپزشک با اشاره به اینکه در فرهنگ فارسی معین، ارادل و اوباش به صورت افراد فرومایه، بسط و ناکس تعریف شده‌اند، به «ایران» می‌گوید: این گروه مردمی بی‌هنر، بی‌فرهنگ، خشن، بیگار و بی‌عار را تشکیل می‌دهند. این ویژگی‌ها از دیدگاه روانپزشکی در مفهوم اختلال شخصیت ضداجتماعی متبلور می‌شود. عنوان شخصیت ضداجتماعی به افرادی اطلاق می‌شود که ظرفیت دلبستگی یا وفاداری به دیگران و رعایت قوانین زندگی اجتماعی را ندارند. افرادی بی‌عاطفه و به فکر لذت‌های آنی هستند، احساس مسئولیت ندارند و با اینکه به طور مکرر مورد تنبیه قرار می‌گیرند، نمی‌توانند رفتار خود را تغییر دهند.

به گفته فدایی، شخصیت‌های ضداجتماعی فاقد قضاوت اجتماعی هستند، اما با دلیل تراشی خود را متقاعد می‌کنند که رفتارهای ضداجتماعی و مجرمانه آنان مجاز است. برای نمونه، یک سارق خودرو می‌گوید که چرا باید فلان شخص ماشین داشته باشد اما من نداشته باشم؟ پس حق دارم ماشین دیگری را بدزدم. ساختار شخصیتی این افراد ناراسا است یعنی بخش وجدانی و اخلاقی شخصیت آنان شکل نگرفته و نارسایی دارد.

در مورد علل ایجاد شخصیت ضداجتماعی عوامل مختلفی نقش دارند از جمله ژنتیک و عوامل زیست محیطی. برای نمونه ضایعه وارده به مغز حین زایمان، ضربه به سر و التهاب مخ، عوامل رفتاری از جمله نقص در شرطی شدن و خاموشی آن، عوامل روانی رشدی از جمله اختلال در تعامل با والدین و عوامل اجتماعی را از این دست می‌توان نام برد. در عین حال هم عموماً ترکیبی از عوامل مذکور وجود دارد. شناخت این وضعیت و تغییر رفتار در فردی که جزء ارادل و اوباش طبقه‌بندی می‌شود، مستلزم آگاهی از این عوامل متعدد و دردم پیچیده است.

او در ادامه می‌افزاید: شخصیت‌های ضداجتماعی در اصطلاح روانپزشکی با ارادل و اوباش در فرهنگ عامه که گاهی به غلط لات و لوت خوانده می‌شوند، طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند که یک انتهای آن شامل افرادی است که با رفتارهای گفتر ناخوشایند و بی‌ادبانه و ظاهر نامناسب برای نمونه مردی که دکمه‌های پیراهن خود را باز می‌گذارد و به خانم‌ها متلک می‌گوید، ارزش اجتماعی هستند، هیچ اعتمادی نسبت به آنان وجود ندارد و جامعه اقبالی به آن افراد نمی‌کند و منفور اجتماع هستند، این افراد با لوطی‌ها متفاوت هستند، چون لوطی‌ها از احترام ویژه‌ای در میان مردم برخوردار بودند، به بزرگان و ریش‌سفیدان احترام می‌گذاشتند و واژگان و اصطلاحات خاصی که مظهر تواضع و فروتنی است، در گفتار خویش داشتند.

او در ادامه در مورد تفاوت‌های اجتماعی لوطی‌ها و ارادل و اوباش توضیح می‌دهد: لوطی‌ها برای ترویج فرهنگ خویش با مکر و دسیسه‌های پیچیده و با استفاده از آرایش اجتماعی از طریق دستکاری دیگران و با مردم ضعیف زدوخورد می‌کنند و هیچ‌گونه مرام و اخلاقی ندارند و به سرقت و چپاول اموال دیگران می‌پردازند.

فرهنگ‌ها کارهای خلاف موجب بروز شخصیت و خودنمایی آنها می‌شود و در حاشیه اجتماع و در محلات پررنگ‌تر شده و بستر ارتکاب خلاف و آسیب‌ها نیز در آن مناطق بیشتر شود. او در ادامه خاطر نشان می‌کند: اگر بخواهیم چنین رفتارهایی در جامعه وجود نداشته باشد، باید پیشگیری کنیم، پذیرش، آموزش و جلوگیری از انگ زدن قطعاً روش‌هایی هستند که به‌سادگی می‌توانند از آسیب‌های این‌چنینی جلوگیری کنند اما در صورت بروز چنین آسیب‌هایی، آفتابه به گردن بستن و در خیابان چرخاندن و اعمال شدیدترین برخوردها با ایشان نمی‌تواند راه چاره باشد، باید زمینه‌هایی به وجود آمدن این پدیده‌ها را از بین ببریم و کار فرهنگی انجام دهیم تا شاهد کاهش چنین آسیب‌هایی باشیم.

دکتر حسین میرزایی  
مردم‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

افراد داده شده است. از نگاه مردم‌شناختی، این افراد در محله‌های شهرهای نیشابمدرن، به‌صورت غیررسمی و خودسرانه، در نیشاد دولت متمرکز قدرتمند، تضمین‌کننده امنیت اجتماعی محله‌ها بودند. این گروه اجتماعی، در دوران پیشامدرن، از جانب قدرت رسمی و سایر گروه‌های برجسته همچون بازاربانان، روحانیت و... نیز به صورت غیررسمی پذیرفته می‌شدند، ولی تا جایی که برای قدرت آنها خطری محسوب نشوند، به محض تمرد، یاغی و شورش‌های لقب می‌گرفتند و به ناچار برابر قدرت رسمی موضع می‌گرفتند.

این افراد که عمدتاً پدیده‌هایی شهری بودند، سفید یا سیاه مطلق نبودند و در تاریخ اجتماعی ایران جایگاه خاص داشته‌اند، شغل معینی نداشتند، گاه‌گاه به مشاغلی چون دستفروشی، سمسازی، دلالی، نقالی، چشم‌بندی، تردستی و امثال آنها روی می‌آوردند. برخی از آنها به باجگیری و کلاهبرداری نه نمی‌گفتند و البته هر آنچه به دست می‌آوردند، نهایتاً به دیگران می‌بخشیدند، بدون آن‌که چیزی برای خود پس‌انداز کنند. این افراد فرمان‌پذیر نبودند و ارزش‌های خیر و شر را توأمان با هم داشتند. غیرتمدنی و روحیه آزادی‌گرای آنها اجازه نمی‌داد در مقابل ظلم ظالم، خواه کدخدا باشد خواه حکومت، سکوت کنند و در این راه از مرگ هراسی نداشتند. گاهی به‌دلیل ارتکاب قتل - عمدتاً کشتن عوامل بانای ظلم - فراری بودند و در حاشیه شهرها زندگی می‌کردند. برخی از آنها نیروی خود را برای مردم‌آزاری به کار می‌بردند، اما آنچه بین همه آنها مشترک بود پایبندی به برخی ارزش‌های اخلاقی و اصول جوانمردی بود. آنها با محلات مشخصی از شهر در ارتباط بودند و نسبت به محله و شهر خود تعصب داشتند. لوطی‌ها اصولاً خوشنام بودند و محله را از تهاجم بیگانگان حفظ می‌کردند و به صفحای محله کمک می‌کردند. معمولاً هزینه این کارها را از اغنیای محله یا شهر طلب می‌کردند. این افراد از دست‌ترنج خود نان می‌خوردند و برای بزرگ‌ترها و ریش‌سفیدان احترام قائل بودند و به کوچک‌ترها محبت می‌کردند. میدان عمل آنها عمدتاً حول زورخانه شکل می‌گرفت و به آیین‌های جوانمردی و فوتوت باور داشتند. حمایت از حق، کمک به مردم آبرودار، عناد با ظلم، سنگ تمام گذاشتن برای رفیق از جمله ویژگی‌های آنان بود. یکی از فعالیت‌های اجتماعی مهم آنها، عزاداری و تعزیه‌داری بود که هزینه آن توسط توانگران تأمین می‌شد. در گذشته، این مراسم اگر با همراهی لوطی‌ها و مشدی‌ها همراه نبود آن شور و جذب‌ها برای مردم نداشت. سیواسپوهی و آذین‌بندی مذهبی محله‌های شهر عمدتاً توسط این افراد صورت می‌گرفت و سر و سامان دادن به دسته‌های عزاداری هم بر عهده این افراد بود و سعی می‌کردند به بهترین شکل ممکن این کار را انجام دهند. جوانمردی یکی از خصلت‌های برجسته آنان بود؛ درست است که آنها رفتارهای ناپسند زاید داشتند اما صفات پسندیده را هم با خود به همراه داشتند. در مواقع اضطرار، چنان از خود جوانمردی و فوتوت نشان می‌دادند که مثال زدنی بود؛ هر کس بیشتر از ضعف دستگیری می‌کرد، راستگو و بی‌اعتقاد به مادیات بود و از دوستان خود چیزی دریغ نمی‌کرد، در حوزه جوانمردی اشتها ریشتری می‌یافت.

آرام آرام از دل همین جماعت، لات‌هایی بیرون آمدند که به اشرار و شورش‌ی تبدیل شدند، یعنی شرارت محور کارهایشان بود و از راه کلاهبرداری، قاچاق، زدی، قداره‌بندی و زورگویی زیست می‌کردند؛ در بازارها پرسه می‌زدند، مشتری نادمی میخانه‌ها بودند و به تلکه‌گیری و باج‌گیری پرداختند و زندگی پرماجرایی داشتند. بر عکس لوطی‌ها، ممکن بود به زن و بچه مردم تعرض کنند و به غارت اموال مردم بپردازند. در تاریخ اجتماعی ایران، تمییز دادن لوطی‌ها از لات‌ها به معنای اوباش‌کار ساده‌ای نبوده است. امروزه، به ناهادینه شدن قانون و ایجاد نهاد دولت، بحث لوطیان و کارکردهایشان به حاشیه رفته و تقریباً از جامعه طرد شدند.

امروز، آنچه از این قشر اجتماعی عمدتاً به جای مانده بیشتر همان لات‌ها و اشرار هستند و از نیکي‌ها و اوصاف پسندیده آنها دیگر خبری در میان نیست، هر چند مرام و آیین‌های جوانمردی و فوتوت همچنان مورد تحسین جامعه است و حتی احتمال این که این نهادها به شکل اخلاقی و ارزشی آن دوباره احیا شوند وجود دارد، اما در این دوران کمتر از آنها این صفات را می‌بینیم و می‌شنویم. اشرار امروز، با توجه به محافظت‌های متنوع اغتیا از اموال خود، بر خلاف مرام‌های جوانمردی، به سراغ ضعفای می‌روند و به مال و ناموس آنها دست‌درازی می‌کنند. شبکه‌های مجازی میدانی برای قداره‌کشی و رخ‌نمایی آنها شده تا همدیگر را تهدید و حیطة میدان عمل خود را وسعت بخشند و به شهرت و نام‌آوری برسند. در واقع، این گروه، با بهره‌برداری از گذشته تاریخی لوطی‌ها و عبارها، عناوین منفی آنها را مصادره به مطلوب کرده‌اند و خود را جای آنها نشاندهند، بی‌آنکه از مرام و آیین‌های جوانمردی آنها بویی برده باشند. حفظ امنیت شهروندان برعهده حکمرانان است و هرگونه تعرض به مال و جان مردم باید از طریق نهادهای قضایی و امنیتی کشور پیگیری شود تا ریشه این گروه‌های بزهکار خشکیده شود. قطعاً قاطعیت این نهادها باعث ایجاد امنیت خواهد شد و شاید با این شیوه، این گروه‌های اجتماعی ریشه‌دار به اصل جوانمردانه خود بازگردند و به احیای اخلاق و فوتوت در جامعه امروز کمک کنند.

در این شرایط جدید که روز به روز شاهد زوال اندیشه‌ها و رفتارهای غیراخلاقی در جامعه هستیم و خلأ نهادهای سازهای اخلاق حس می‌شود، معمولاً بهترین راه پر کردن خلأهای فرهنگی، رجوع به ریشه‌هاست و با تکیه بر این ریشه، می‌توان سیاست‌گذاری‌های فرهنگی را جهت بخشید. آیا ورزش زورخانه‌ای ما امکان به روز شدن ندارد؟ آیا نمی‌توان با احیای زورخانه‌ها به شیوه‌های جدید خصایص نیکو و پسندیده پهلوانان گذشته با توجه به شرایط روز احیا کرد و «اخلاق پهلوانی» را همچون گذشته در جامعه فراگیر کرد؟